

## القاعده و داعش با هم متحد می‌شوند؟



القاعده و داعش علی‌رغم اشتراکات زیاد، تفاوت‌های ایدئولوژیک عمیقی داشته و اولویت‌های متفاوتی برای خود تعریف کرده‌اند.

به گزارش آران نیوز: روسیه و دولت سوریه تنها دشمنان داعش نیستند. این گروه تروریستی با القاعده نیز در سوریه و دیگر بخش‌های جهان اسلام وارد تعارض مرگبار شده است. القاعده نیز که از جانب داعش و قدرت فزاینده آن احساس تهدید می‌کند به تقلید از این گروه، بر آن شده است که نیروهای خود را به سوریه منتقل کرده و امارت خود را آنجا بنیان گذارد. درک اهمیت، گستره و تداوم این رقابت برای مبارزه با تروریسم در آینده ضروری است. اگر این دو گروه با هم متحد شوند قدرت آن‌ها به شکل غیرقابل‌تصور بالایی می‌رود و احتمال آن نیز بعید بنظر نمی‌رسد.

در حالی که اهداف این دو گروه متفاوت است - عمده تمرکز القاعده روی حمله به ایالات متحده است، در حالی که هدف داعش گسترش خلافت خود می‌باشد- این جنبش در کلیت خود بواسطه پیوندهای شخصی متعددی یکپارچه است. بسیاری از افرادی که جزئی از جنبش افراط‌گرایی هستند- بویژه خارج از هسته عراق و سوریه - خود را برادران یکدیگر می‌دانند و مایل به طرفداری از یک جانب نیستند. توجه به منابع مالی و تامین نیروی انسانی یکسان نیز دیگر زمینه‌های تسهیل‌کننده اتحاد آن‌ها است.

به گفته برخی از اندیشمندان حوزه تروریسم نظیر بروس هافمن، امکان ادغام این دو گروه وجود دارد. هافمن به درستی هشدار می‌دهد که در گذشته به تناوب القاعده به اشتباه به حساب آورده نشده است. وی با تاکید بر اینکه یکی از این دو گروه انشعابی از دیگریست می‌گوید: «جای تعجب نیست که وجوه تشابه ایدئولوژیک این دو بسیار بیشتر از وجوه افتراق آنهاست.» اگرچه احتمال اتحاد این دو در آینده وجود دارد، تفاوت‌های آن‌ها نیز عمیق است و چالش‌های جدی پیش روی اتحاد آن‌ها وجود دارد.

اختلافات همیشه میان جنبش‌های افراط‌گرای مدرن وجود داشته است. به احتمال زیاد نیروهای افراط‌گرا در پشت پرده ترور عبدالله اعظم، عضو جنبش عرب-افغان در ۱۹۸۹ بودند. برخی دیگر از نیروهای افراطی نیز تلاش کرده بودند که اسامه بن لادن را در دوران سکونتش در سودان به قتل برسانند. القاعده به عنوان اشعابی از جنبش عرب-افغان شکل گرفت و اغلب هم در همکاری و هماهنگی پیروان خود مشکل داشته است.

در اواخر دهه ۱۹۹۰ و پیش از حملات ۱۱ سپتامبر القاعده توانست بسیاری از شاخه‌های جنبش‌های افراط‌گرای مدرن را متحد کند. القاعده عمدتاً به منابع مالی قابل توجه و پایگاه‌های آموزشی در پاکستان و افغانستان دسترسی داشته است. حتی گروه‌هایی که دیدگاه القاعده را قبول نداشتند، به خاطر بهره‌مندی از منابع مالی آن و بالا رفتن کارایی نیروهای خود در کنار القاعده قرار گرفتند. این موقعیت به القاعده اجازه داد که نیروهای جدید جذب شده را به آن جنبش‌هایی هدایت کند که اشتراک نظر بیشتری با آن‌ها داشت و این گروه‌ها را در موقعیت برتر قرار دهد. فلسفه و شخصیت بن لادن نیز غیرمعمول بود. وی شخصیتی کاریزماتیک و در عین حال فروتن داشت. بن لادن در عین اینکه به دنبال تعریف و تمجید اطرافیان نبوده، برای آن‌ها الهام بخش بود. حمله موفقیت‌آمیز به ایالات متحده نیز اعتبار این گروه را بالا تر برده و نیروها و منابع مالی جدیدی را به سوی آن سرازیر کرد. در نهایت، آمریکا به همراه دیگر متحدان خود در مبارزه با تروریسم با یکپارچه در نظر گرفتن انشعابات مختلف جنبش افراط‌گرایی از ابزارهای خارجی مختلف برای مبارزه با آن‌ها و حفاظت از خود استفاده کرد.

القاعده هم اکنون در لاک دفاعی فرو رفته است و بسیاری از عوامل آن از میان رفته‌اند. احتمالاً این گروه تروریستی هنوز پایگاه‌های آموزشی خود را در افغانستان و پاکستان دارد، اما تلاش‌های نظامی پاکستان و حملات پهپادی آن را بسیار تضعیف کرده است. به همین ترتیب، دسترسی آن به منابع مالی و جذب نیروهای جدید نیز به شدت کاهش یافته است. ایمن الظواهری شخصیت کاریزماتیک بن لادن را ندارد و در دوران تصدی وی از اعتبار گروه کاسته شده است. دستاوردهای این گروه طی پنج سال اخیر نزدیک به صفر بوده است.

افزون بر افول القاعده، جدایی القاعده و داعش بر پایه تفاوت‌های بنیادین این دو در ایدئولوژی و استراتژی استوار است. اگرچه هر دو در مورد لزوم حکومت بر پایه قوانین اسلامی اشتراک نظر دارند، اولیت‌های آن‌ها تفاوت‌های اساسی دارد. ابوبکر البغدادی و حامیان آن ایجاد یک دولت را اولویت می‌دانند. الظواهری و حامیان آن لزوم مبارزه با «دشمن دور» را اولویت دانسته و نسبت به ایجاد دولت پیش از فراهم آمدن شرایط لازم بدگمان هستند. القاعده وابستگانش را در مناطق تحت حاکمیت خود ملزم به برخورد مناسب با اقلیت‌ها - در مقایسه با داعش- می‌کند، اما داعش بر یکپارچگی مذهبی اصرار داشته و با ابزار زور سعی می‌کند آن را تحمیل کند. داعش و القاعده در مورد تاکید بر جنگ با شیعیان و میزان همکاری با گروه‌های غیر افراطی نیز اختلاف نظر دارند.

در کوتاه مدت، بسیاری از نیروهای افراطی - بویژه آن دسته که به دنبال ایجاد گروه‌های وفادار به یک طرف نیستند- به احتمال زیاد با یکدیگر همکاری خواهند کرد. به طور مثال عاملان حملات سن برناردینو ابتدا جذب القاعده شده و سپس به مرور زمان به سوی داعش گرایش پیدا کرده بودند.

در حال حاضر پیشروی های داعش، علی رغم پس روی های اخیر آن- و تداوم انفعال القاعده می تواند هر چه بیشتر القاعده را در موضع ضعف قرار دهد و شریان منابع انسانی و مالی آن را تضعیف کند. مرگ الطواهری نیز می تواند این سناریو را تقویت کند. متقابلا، موفقیت های القاعده شبه جزیره یا جبهه النصره، ممکن است موازنه را بین دو گروه احیا کند. صرفنظر از اینکه آینده منتج به اتحاد یا جدایی بیشتر این دو گروه شود، جنبش افراط گرایی همچنان قدرتمند و خطرناک بر جا خواهد ماند.